

بیا ای قرار بی قرار

آغاز امامت مبارک مولا جان! از همان هنگام که ولایت شروع شد، منتظرانت، عاشقانه در آرزوی وصل هجران تو سر کرده‌اند. غم دوری تو را با خون دل خوردن، قرن هاست که تاب آورده‌اند.



جام جم آنلاین: آغاز امامت مبارک مولا جان! از همان هنگام که ولایت شروع شد، منتظرانت، عاشقانه در آرزوی وصل هجران تو سر کرده‌اند. غم دوری تو را با خون دل خوردن، قرن هاست که تاب آورده‌اند.

می دانم، آنگونه که تو می خواهی نیستیم. همدیگر را می رنجانیم، روزگار غریبی است. روزگار ما را به این روز انداخته است. اما نه، ما روزگار را به این روز انداخته‌ایم. همین است که در پی تو می گردیم. در پی تو نازنین، خسته از دلتنگی های زمانه، نامردمی های روزگار، نامردمی های خودمان! در جستجوی بهاری هستیم که با آمدن تو نازنین، سبز شود. چه بهاری خواهد شد. گل ها و سبزه ها هم، رنگ و بوی دیگری خواهند گرفت.

بار هجران سنگین شده است مولا جان! تاب تحمل آن دشوار گشته، مگذار این صبر و شکیبایی عاشقانه، با حسرت آمدنت همراه شود. حسرت به آن خاطر که تو بیایی و ما نباشیم.

در آرزوی بهاری هستیم که تو باشی و عاشقانت دورت بگردند و جشن آمدنت را با بهار، مقلب القلوب والابصار بخوانند و حول حالنا الی احسن الحال را با وجود نازنینت مزه کنند و در رکاب عاشقانهات، غم های دیرین را به تاریخ بسپارند.

بهاری را می خواهیم که در کنارت باشیم. خورشیدمان باشی و بتابی بر ما تا از تلالو وجود نازنینت، گرمای عشق بر ما ارزانی شود.

سرزمین من زادگاه خورشید است. دیار عشق است و عرفان، نابترین عاشقانت را در خود دارد، که روز را با یاد تو آغاز می کنند و شب را با عشق تو به سحر می رسانند.

نه از هجرانت خسته شده‌اند و نه از وصالت سیر می شوند. هجرانت عشقی دگر دارد و وصال، شیدایی دیگری، عاشق آن مرام و معرفت پایان ناپذیرت هستیم. عاشق عشق تو نازنینیم. فراق را تاب می آوریم برای روز وصال.

زیبای عالم، یگانه، تو خود عاشق تر از مایی، تو هم بی تاب آمدنی، تو هم از هجران یاران و عاشقانت در سوز و گدازی، فراق یاران و یاورانت را به جان خریده‌ای و هر روز که می‌گذرد کاروان و قافله عمر، یارانت را می برد، اما باز هم زاییده می شوند و می سازند، عاشقان فرداها را.

بیا و بهار دلکش را بیاور، گرچه پیش از سحر تاریک است و سیاه، اما همواره خورشید، به هنگام طلوع می‌کند.

باز هم به امید فروغ ابدی تو مشرقی نازنین مرد عالم، غم سنگین فراق را به دیدار سحر به جان می خریم و دعايت را برای ناب ترین شیعیانت آرزومندیم. ای قرار بی قرار!

محمد صفري